



## استراتژی توسعه صنعتی در خدمت:

هدفمندی، همسویی،  
مشارکت، توفیق بیشتر  
صنعتگران کشور،  
تعالی اشتغال و  
رفاه جامعه  
است.



محسن خلیلی

۱۳۸۰ / ۴ / ۲۵

مجمع عمومی عادی سالانه انجمن مدیران صنایع

# گفتاری درباره استراتژی توسعه صنعتی ایران

## پیشگفتار

جهان در دو سده گذشته، بویژه در قرن بیستم و بیشتر در دهه‌های پایانی به گونه‌ای بنیادین و با سرعتی روز افزون دگرگون گردیده است. بهبود چشم‌گیر و تصاعدی کیفیت کار و زندگی و شاخص‌های اقتصادی کشورهای توسعه یافته و افزایش فاصله آنها با بخش‌های توسعه نیافته جهان مشخصه اصلی این تحولات تاریخی است.

همین امر سبب گردید که «توسعه یافتن و صنعتی شدن به عنوان اصلی‌ترین راه توسعه» به مهمترین موضوع تاریخ دوران جدید تبدیل گردد و صنعتی شدن و ورود به جرگه کشورهای توسعه یافته را به آرزوی ملت‌ها، آرمان نهضت‌های اجتماعی و اهداف دولت‌ها بدل سازد. ناکامی برخی از کشورها در دستیابی به توسعه صنعتی عامل مهاجرت ده‌ها میلیون انسان از کشورهای توسعه نیافته فقیر به سرزمین‌های توسعه یافته غنی شده است.

در نیم قرن گذشته، کشورهای چون ژاپن، تایوان، کره، سنگاپور، استرالیا، پرتقال، یونان، مالزی، مکزیک، برزیل و در دهه اخیر نیز کشورهای شرق اروپا، برخی از کشورهای غربی، چین و هند به موفقیت‌های قابل توجهی در توسعه صنعتی دست یافته‌اند. هر چند این کشورها فرآیندهای متفاوتی در مسیر توسعه طی نموده‌اند، اما در تمامی موارد استراتژی‌های صنعتی منسجم و از پیش تنظیم شده فعالی وجود داشته است که نقش بسیار موثر و کارآمدی در راهبری فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی ایفا نموده است. در واقع موفقیت‌های بیش از انتظار کشورهای تازه صنعتی شده بدون پای‌بندی به تحقق استراتژی‌های صنعتی امکان‌پذیر نبود. این دستاوردها به تغییر دیدگاه جوامع صنعتی غرب نسبت به تدوین استراتژی‌های صنعتی منجر گردید و این موضوع را وارد دستور کار سیاسی آنها نمود. چشم‌انداز و استراتژی صنعتی اتحادیه اروپا تحت عنوان «بازگشت به رشد، اشتغال و همگرایی» در سال ۱۹۹۴ منتشر گردید.

دولت ایالات متحده آمریکا با ورود به قرن بیست و یکم گام‌های بلندی در تدوین استراتژی‌های صنعتی و اجرای آن به ویژه به منظور مقابله با تهدیدهای رقابتی تجاری برداشته است.

برنامه‌ریزی توسعه صنعتی در ایران، گرچه دارای سابقه‌ای بیش از نیم قرن است، اما سیاست‌های صنعتی کشور غالباً واکنشی، ناسازگار، غیر منسجم و فاقد عناصری بوده است که بتوان آنها را تحت عنوان «استراتژی‌های توسعه صنعتی» طبقه‌بندی نمود و در عمل نیز پای‌بندی چندانی به اجرای برنامه‌های مدون وجود نداشته است.

در اقتصاد ایران، سیاست‌های صنعتی دولت همواره مداخله‌گرانه بوده است. پیش از انقلاب سیاست دولت بر ایجاد واحدهای صنعتی بزرگ، گزینش نزدیکان و وابستگان به عنوان «برندگان» تاکید داشت و در موارد بسیاری منجر به ائتلاف منابع و تخصیص آن به طرح‌ها و بنگاه‌های اقتصادی ناکارا گردید. پس از انقلاب، تمرکز بر ایجاد واحدهای کوچک و گزینش برگزیدگان به عنوان «برندگان» بوده که موجب تنزل نقش و جایگاه بخش صنعت در اقتصاد ملی گردید. علاوه بر این در ایجاد و راه‌اندازی واحدهای صنعتی، به طور آشکار از گروه‌هایی در جامعه حمایت شده است که به دلایلی غیر از کارآفرینی و صنعتگری مورد احترام و تایید بوده‌اند. این امر منابع عظیم ارزی و ریالی را در تعداد کثیری پروژه‌های صنعتی ناتمام منجمد نموده است، بدون آنکه توانایی یا امید تکمیل آنها متصور باشد به طوریکه در اوایل سال ۱۳۷۴ اعلام گردید نزدیک به ۳۰ هکتار سوله صنعتی ساخته شده برای واحدهای ناتمام صنعتی و بدون استفاده در کشور وجود دارد.

## مفهوم استراتژی توسعه صنعتی

استراتژی توسعه صنعتی دربرگیرنده مجموعه تدابیر، اقدامات و راهکارهایی است که در بستر چشم‌اندازی بلندمدت به تأمین رشد و رقابت مندی فعالیت‌های تولیدی به طور کلی و فعالیت‌های صنعتی به طور خاص می‌پردازد. استراتژی یک طرز نگرش است که اساس آن بر تشخیص فرصت‌های اساسی و تحقق منافع نهفته در آن و شناسایی تهدیدها و تبدیل آن به فرصت‌های جدید قرار دارد. بنابراین تدابیر و راهکارهای پیش‌بینی شده در استراتژی توسعه صنعتی بایستی بتواند اختلالها و نقایص بازار را کاهش داده، نوآوریهای تکنولوژیکی را تشویق نموده و با تسهیل تعدیل‌ها و اصلاحات ساختاری، زمینه را برای رشد و توسعه رشته‌های اولویت‌دار صنعتی هموار سازد. تحقق هر یک از هدف‌های توسعه صنعتی را باید در بستر چشم‌انداز بلندمدت که توسط کارگزاران و فعالان بخش صنعت ترسیم می‌گردد، جستجو نمود.

## سابقه برنامه ریزی توسعه صنعتی در ایران

سابقه برنامه‌ریزی توسعه صنعتی در ایران به نخستین سالهای سده‌ی حاضر هجری شمسی برمی‌گردد که دولت ایجاد صنایع تولیدکننده کالاهای وارداتی را از یکسو به خاطر کاهش واردات و از سوی دیگر به عنوان وسیله‌ای برای نوسازی جامعه مورد تأکید قرار داد. در آن سالها بیش از ۵۰ درصد واردات کشور را شکر، پارچه، چای و سیمان تشکیل می‌داد، بنابراین اولویت‌های رشد صنعتی کشور در چارچوب استراتژی جایگزینی واردات، بر محور تولید این کالاها قرار گرفت. در فاصله زمانی ۱۸-۱۳۱۴ شاهد فعالیت وسیعی برای احداث صنایع جدید بود. دولت ضمن مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، احداث کنندگان صنایع را در مقابل رقابت‌های زیان‌بار مورد حمایت قرار می‌داد.

با شروع اولین برنامه عمرانی کشور در سال ۱۳۲۷، آن‌چه در قلمرو سرمایه‌گذاری و تولید صنعتی صورت گرفت، نه با هدف بهره‌برداری از منابع موجود و یا استفاده از مزیت‌های نسبی، بلکه به منظور جایگزینی واردات بود. در برنامه عمرانی سوم کشور ۴۶-۱۳۴۲ جایگزینی واردات به صورت صریح و آشکارتری به عنوان استراتژی توسعه صنعتی در برنامه اعلام و در عمل مورد توجه خاص قرار گرفت و این رویه در برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم نیز ادامه پیدا کرد.

حاصل برنامه‌های عمرانی اول تا پنجم علی‌رغم ۱۰۸ برابر شدن بودجه کشور، پیدا شدن عدم تعادل‌های تازه‌ای در یک اقتصاد همچنان متکی بر کشاورزی و استفاده از مواد خام به عنوان منابع اصلی درآمد بود. در سال پایانی برنامه پنجم عمرانی ۱۳۵۶، بروز اختلاف سطح شدید در درآمد و رفاه گروه‌های اجتماعی، نرخ تورم بالا، فساد اجتماعی و مالی، اسراف و تبذیر، بی‌توجهی به حقوق و آزادیهای اساسی و انتظارات مردم به ویژه طبقه متوسط تحصیلکرده‌ای که تازه به میدان آمده بود و همچنین حضور و نفوذ خارجی‌ان در کشور به یک دگرگونی وسیع اجتماعی و در نهایت انقلاب سال ۱۳۵۷ منجر شد.

در نخستین دهه بعد از انقلاب، استراتژی توسعه صنعتی ایران، استراتژی خودکفایی اقتصادی بود که وجهه شدید و افراطی استراتژی جایگزینی واردات به شمار می‌رود. این استراتژی چنان بر کلیه تصمیم‌گیریهایی

اقتصادی و صنعتی این دوره احاطه داشت که در واقع تبدیل به نوعی ایدئولوژی عملی شده بود که هر اقدام و اندیشه مغایر با مبانی و اجزاء این استراتژی، بر ضد مصالح انقلاب و ملت قلمداد می‌شد. اولین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ آشکارا بر توسعه صنایع سنگین - صنایع واسطه‌ای و سرمایه‌ای - تاکید نمود. ولی سیاست‌های اجرایی و عملکردهای بخش صنعت در مغایرت کامل با این استراتژی تحقق پیدا کردند و تخصیص منابع در این بخش به نفع واحدهای کوچک و متوسط تولید کننده کالاهای مصرفی انجام گرفت. برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ بر توسعه صنایع وابسته به منابع و توسعه صادرات صنعتی در چهارچوب اولویت صنایع کوچک و دستی تاکید نمود. تحقق این استراتژی‌های توسعه صنعتی موقوف و مشروط به انجام سرمایه‌گذاریهای کلان صنعتی و سوق پیدا کردن منابع مالی در این راستا بود. اما در عمل چنین جهت‌گیری‌هایی از سوی سرمایه‌گذاران بالقوه و نیز از سوی نظام بانکی و اداری کشور بروز نکرد. با این اوصاف چنانچه درجه تمایل به سرمایه‌گذاری در صنعت در حد سالهای اخیر باقی بماند و منابع نهادی و بانکی نیز گرایش به این سمت نداشته باشند، عملاً صنعتی به وجود نخواهد آمد.

### استراتژی توسعه صنعتی و نیازهای جمعیت کشور

جمعیت ایران از ۱۹ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ با نرخ رشد ۲/۸۶ درصد به ۶۴ میلیون نفر در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته و ۳/۴ برابر شده است. سهم جمعیت روستایی از ۶۹ درصد به ۳۶ درصد کاهش یافته است. دگرگونی وسیع فرهنگی و افزایش شدید سطح تحصیلات و تعداد تحصیل‌کردگان و افزایش دانش و سطح انتظار نسل جوان و روی آوردن زنان به کار در خارج از خانه، سبب افزایش نجومی تعداد جویندگان کار و آن هم کار با کیفیت گردیده است. در شرایط فعلی نظام آموزشی سالانه حدود ۴۵۰ هزار دانش‌آموختگان دوره متوسطه و بیش از ۲۰۰ هزار دانش‌آموختگان دوره‌های آموزش عالی را به جامعه تحویل می‌دهد. از سویی، بیش از ۴۰ میلیون نفر یا حدود ۷۰ درصد جمعیت کشور را از افراد زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دهند. این جمعیت جوان، تحصیلکرده، آگاه، توانا، کارا، سالم و آموزش‌پذیر می‌تواند امکانات وسیعی در اختیار کشور گذاشته چرخهای اقتصاد را به سرعت پیش ببرد. از سوی دیگر چنین جامعه‌ای نیاز به امکاناتی چون آموزش، بهداشت، کار، مسکن، میدان برای بروز توانایی، خلاقیت و نوآوری دارد و خواستار دستیابی به سطح زندگی و رفاهی مشابه جهان پیشرفته است و این همه فقط از طریق رشد و توسعه صنعتی و در راستای اتخاذ «استراتژی‌های مناسب و منسجم صنعتی» امکان‌پذیر است.

### استراتژی توسعه صنعتی و دیدمان فنی - اقتصادی جهان

امروزه طراحی استراتژی‌های توسعه صنعتی، به دلیل شرایط پیچیده اقتصادی و اجتماعی و تحولات عظیمی که در زندگی بشر و شیوه‌های تولید قابل پیش‌بینی است، به روش‌های مرسوم و نیز به سهولت

گذشته امکان پذیر نبوده و در صنعتی شدن کشور نیز کارساز نخواهد بود. استراتژی جایگزینی واردات و گرایشهای حمایت گرایی به دلیل جهانی شدن اقتصاد و در تحت رژیم گات و سازمان تجارت جهانی بسیار پرهزینه و حتی غیرممکن و غیر معقول شده است. استراتژی توسعه صادرات که دیروز در دستور کار بیشتر کشورها به ویژه اقتصادهای تازه صنعتی شده قرار داشت. برای دیرآمدگان و خفتگان غیر موثر خواهد بود. بنابراین فرآیند صنعتی شدن در آینده لزوماً همانگونه که طی دویست، سیصد سال گذشته در کشورهای صنعتی طی شده، اتفاق نمی افتد. به طور کلی فرایندهای توسعه صنعتی گذشته تجدید پذیر نیست، بلکه این فراگرد صنعتی شدن، بعضاً با توسعه صنایع الکترونیک و نیمه رساناها و زمانی با توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی و یا پوشاک آغاز شده و به کمال خواهد رسید. بنابراین باید ضرورت‌های زمانه را شناخت و با اتکا به مزیت‌های نسبی، راه‌های میانبری را برگزید.

شکست اقتصادهای برنامه ریزی شده و موفقیت نظام بازار سبب گردیده است که امروزه دولت‌ها بیش از پیش به شایستگی‌های نظام بازار اعتقاد پیدا کرده اند. طرز کار هر اقتصاد پیچیده‌تر از آن است که دولت‌ها بتوانند تخصیص منابع را به طور کارآمد و با موفقیت انجام دهند. کشورها چه کوچک و چه بزرگ، چه توسعه یافته و چه در حال توسعه، برای دستیابی به رشد مداوم و غیر تورمی چاره‌ای جز مقررات زدائی و آزادسازی ندارند. تصویر وضع فعلی از این حد نیز فراتر می‌رود. با تحول سیستم تجاری چندجانبه، خط مقسم بین سیاست‌های خارجی و عملیات و مقررات داخلی کم‌رنگ گردیده است. سیاست‌ها و پرداخت یارانه به کشاورزی و منسوجات و یا سرمایه‌گذاری‌ها تحت تاثیر اقداماتی قرار دارد که دولت‌ها ظاهراً در درون مرزهای ملی به عمل می‌آورند ولی بازارهای جهانی را متاثر می‌سازند. امروزه ایده‌هایی مانند خودمختاری اقتصادی و یا خودکفایی، نظرات از مد افتاده‌ای است که در هر صورت غیر قابل اعمال است.

در چنین شرایطی الزامات ناشی از رشد و توسعه و ایجاد اشتغال برای نیروی کار، تمام جوامع را بیرون نگر ساخته است. اینکه این راه، راه موفقیت‌آمیزتری است هر روز آشکارتر می‌شود. توسل به اقتصاد بازار عملکرد اقتصاد را وسیعاً بهبود بخشیده است. علیرغم اشکالات اقتصادی اخیر مانند کمتر شدن صادرات و کسری زیاد حساب جاری کشورهای آسیایی، این منطقه از هر منطقه دیگر در جهان سریعتر در حال رشد است. ممالک آمریکای لاتین مسلماً در همین راه قرار دارند. بسیاری از کشورهای آفریقایی که سیاست‌های تجاری بیرون نگر را اتخاذ کرده اند از رشد بی سابقه‌ای برخوردار گردیده اند.

### آزادسازی اقتصادی و نقش کنفدراسیون صنعت‌هند در توسعه صنعتی این کشور

بسیاری از اقتصادهای در حال گذار به صنعتی شدن، بعد از سالها تعدیل، اصلاحات را آغاز کرده اند. نمونه‌ای از، موفقیت‌های آزادسازی اقتصادی و توسعه صنعتی، کشور هندوستان است. هند بعد از استقلال در سال ۱۹۴۸ به سبب درپیش گرفتن سیاست اقتصادی مداخله‌گرایانه و نزدیکی به سوسیالیسم با مشکلاتی نظیر - کسری موازنه پرداخت‌ها به میزان ۶ میلیارد دلار، کسری موازنه بازرگانی ۸ تا ۹ میلیارد دلار، بدهی خارجی ۸۳ میلیارد دلار، کاهش ذخایر ارزی، کسری مداوم بودجه، نرخ تورم بالا، سقوط میزان

سرمایه گذاری ها، و رشد منفی اقتصادی مواجه بود. با آزادسازی اقتصادی از سال ۱۹۹۱ و انجام اصلاحات در بخشهای تجارت و صنعت، محیط سرمایه گذاری را عمیقاً بهبود بخشید و نرخ رشد را بالا برد. سیاستهای مالی یکنواخت و تعدیل شده است. سیاست های تجاری، صنعتی و سرمایه گذاری تغییر یافته است. نرخ مالیات ها کاهش یافته، ساختار تعرفه ای منطقی تر شده و کنترل بر سرمایه گذاری خارجی کمتر شده است. در نتیجه این اصلاحات، طی سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ تولید ناخالص داخلی به طور متوسط سالانه ۶ درصد رشد داشته است. رشد ارزش افزوده در بخش صنعت ۸ درصد و در بخش کشاورزی ۳/۱ درصد بوده است. به طور متوسط سالانه بیش از ۶ میلیون شغل جدید ایجاد شده که ۴/۵ میلیون آن در بخش صنعت بوده است. صادرات به طور سریع رشد پیدا کرده و کسری موازنه بازرگانی به ۱/۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۶ کاهش پیدا کرده است. نرخ تورم از ۱۳/۶ درصد در سال ۱۹۹۱-۹۲ به حدود ۵ درصد در سال ۱۹۹۵-۹۶ تقلیل یافته است. سرمایه گذاری های خصوصی و عمومی به ترتیب ۲۴ و ۱۳/۵ درصد رشد داشته است. میزان سرمایه گذاری های مستقیم خارجی در هند به سرعت در حال افزایش است. نرخ رشد اقتصادی هند در نتیجه اصلاحات شتاب بیشتری یافته است و انتظار می رود در برنامه نهم (۲۰۰۲-۱۹۹۷) به ۷ درصد افزایش یابد.

اجرای اصلاحات وسیع و عمیق اقتصادی و صنعتی در کشوری مانند هندوستان با جمعیت زیاد، تنوع فرهنگی و پیچیدگی اقتصادی و اجتماعی بدون حمایت و کمک کنفدراسیون صنعت هند امکان پذیر نبوده است. این تشکل مهم صنعتی هند همواره در طول حیات ۱۱۰ ساله خود کوشیده است تا زمینه های لازم را برای ارتقاء سطح فرهنگ صنعتی و کمک به تدوین استراتژی ها و تعیین سیاست های صنعتی در این کشور فراهم آورد. کنفدراسیون صنعت هند همکاری صمیمانه ای با دولت داشته و به واسطه برخورداری از احترام وسیع بین المللی، در جهانی شدن هند به مانند یک کاتالیزور عمل کرده است. کنفدراسیون صنعت هند بر اساس اندیشه تعالی هند شکل گرفته و امروزه فعالیت وسیعی در زمینه های توسعه بازار و افزایش کیفیت محصولات صنعتی، ارتقا توانمندی های نیروی انسانی، بهبود مدیریت، انرژی، بهداشت و محیط زیست دارد و آرزوی ارتقاء توان صنعتی هند به سطوح بالای جهانی را تعقیب می نماید.

### دولت، کنفدراسیون صنعت ایران و استراتژی توسعه صنعتی

در اقتصاد ایران گرایش های اصلی همواره در جهت تجارت و سوداگری بوده است و در نتیجه ظرفیت سازی های لازم در بخش های تولیدی و زیربنایی صورت پذیرفته و بخش عمده منابع مادی و انسانی کشور به سوی فعالیت های خدماتی غیر مولد و زود بازده سوق پیدا کرده است. آنچه که سناریوی آتی توسعه صنعتی را با گذشته متمایز می سازد، این فرض اساسی است که بخش صنعت با داشتن نقش اساسی و فعال در ترسیم چشم انداز توسعه صنعتی، موجبات بهره برداری از مزیت های نسبی برای ارتقاء سطح رفاه ملی و رقابت مندی تولید کشور در سطح جهانی را فراهم آورد و با ایجاد دگرگونی در روابط اجتماعی عقب مانده کنونی و با کاربرد دستاوردهای علمی و فن آوری های جدید سبب بالابردن بهره وری تولید، بازسازی و نوسازی اقتصاد ملی گردد.

در طراحی چشم انداز اقتصاد کشور در سال ۱۴۰۰، موفقیت برنامه ریزی توسعه صنعتی با ارشاد دولت، مشارکت فعال بخش غیر دولتی و بر پایه استراتژی های صنعتی منسجم امکان پذیر است. از این رو نظارت موثر دولت در صنعتی کردن اقتصاد ایران بسیار مهم و تعیین کننده است. نقش دولت فراهم کردن زمینه های حقوقی و قانونی مناسب برای توسعه سرمایه گذرای و تولید است از جمله اصلاح مقررات مرتبط با حقوق مالکیت صنعتی، حقوق مالکیت معنوی، مالیات، کار و همچنین نیازهای اساسی تولید مانند زمین، آب، برق و تسهیلات بانکی. وظیفه مهم دیگر دولت ارائه چشم اندازهای مربوط به تحولات تکنولوژیکی و تولیدی و ترغیب فعالین بخش صنعت در جهت اتخاذ تدابیر و برنامه های مناسب با آن تحولات می باشد. در این چهارچوب قوای سه گانه کشور بایستی قبل از همه و بیش از پیش به نقش و اهمیت صنعت در تحقق اهداف قانون اساسی یعنی ایجاد کار و اشتغال و افزایش درآمد و رفاه مردم کشور توجه نموده و در این مسیر هماهنگ و پیشگام شوند. هرگونه تصمیم گیری درباره صنعت، انجام اقدامات موثر بر صنعت و انتصاب مسئولان مرتبط با صنعت با صلاح دید تشکل های صنعتی و دست اندر کاران صنعت به ویژه کنفدراسیون صنعت ایران می تواند از تاثیرات مخربی بر روند توسعه صنعتی پیش گیری نماید.

در راستای توسعه صنعتی مراجع قضایی بایستی حامی و حافظ صنعتگران و عامل جلوگیری از تجاوز به حریم صنعت باشند تا با تضمین واقعی امنیت سرمایه گذاری، شخص صنعتگر و حفظ حرمت محیط کار، کارآفرینان و صنعتگران بتوانند زمینه ایجاد شغل، افزایش ارزش افزوده، رشد اقتصادی و در نهایت تامین رفاه مادی و معنوی جامعه را فراهم آورند. تنها در یک جامعه صنعتی با درآمد سرانه بالاست که حقوق و آزادی های فردی معنی و مفهوم پیدا می کند.

برای ایجاد مشاغل جدید و حفظ مشاغل موجود با توجه به ضرورت دگرگونی فن آوریها و ادغام واحدها در نظر گرفتن انواع امتیازات مالیاتی، اعتباری و یا ارزی ضروری است. تحمیل نیروی کار زائد به واحدهای صنعتی باید ضد ارزش تلقی شود. قوانین کار و تامین اجتماعی باید مشوق صنعتگران در آموزش و تحرک نیروی کار باشد. سیاست های مالیاتی در صنعت بایستی با هدف تشویق و تسریع صنعتی کردن کشور اتخاذ گردد. ثبات قوانین پولی، ارزی و اعتباری تامین گردد به نحوی که تصمیمات و سیاست های کلان جدید بر اهداف دراز مدت صنعت تاثیر منفی نگذارد. تعهدات صنعت در زمینه حفظ محیط زیست، آموزش و توسعه فن آوری با همکاری تشکل های صنعتی مورد بازنگری قرار گیرد مکانیزم های ستاد نظام صنعتی کشور متشکل از بانک مرکزی، وزارت صنایع و معادن، وزارت دارایی و... می بایستی در قبال تعهدات خود نسبت به صنعت احساس مسئولیت نمایند. صنعت نیز می باید این حق را داشته باشد که به مراجع صلاحیت دار صنفی - قضایی خود تظلم نموده و برای جبران زیان های وارده و یا دفع ظلم حکم قابل اجرا و مورد احترام جامعه دریافت کند. کلیه قوانین بر محور حفظ واحدهای تولیدی و تداوم مدیریت واحدهای تولیدی وضع گردیده و از هرگونه زیاده روی در تعیین مجازات برای صنعتگران که سبب ایجاد اخلاص در صنعت و روند تولید میشود، اجتناب گردد. حدود دخالت دولت در صنعت از نظر مالکیت، مدیریت و وضع مقررات بایستی به موجب قانونی مشخص گردد که در وضع و اعمال آن از صنعتگران استمداد میشود. در تصویر آینده اقتصاد کشور و برای جبران عقب ماندگی های صنعتی ضروری است که فضای رقابتی برای

فعالیت ایجاد شود. مسئولیت‌ها با توجه به اصل شایسته‌سالاری واگذار گردد و به روابط خویشاوندی خاتمه داده شود. ساختار جدید برای حقوق مالکیت و حمایت صریح از این حقوق ایجاد گردد، در این بین، نقش تشکل‌ها در مجموعه اقتصاد ملی بسیار مهم و تعیین‌کننده است. اکنون بیش از شصت انجمن و تشکل صنعتی و علمی وابسته به صنعت در کنفدراسیون صنعت ایران منسجم شده، با طرح و تدوین استراتژی‌های توسعه صنعتی تلاش می‌نمایند سرمایه، تجربه، امکانات علمی، فنی، تکنولوژیکی صدها هزار صنعتگر و تولیدکننده را در اختیار جامعه و دولت قرار دهند.

**صنعتگران کشور پایه‌گذاران بخش مهمی از اقتصاد ملی هستند که صرفاً برای منافع تنگ‌نظرانه و کوتاه‌مدت به این میدان نیامده‌اند بلکه بوده‌اند، مانده‌اند و خواهند ماند تا ایران را آباد و ایرانی را سرافراز ببینند.**

صنعت ایران باید بتواند ماموریت و رسالتی را که زمان و مکان برعهده‌اش قرار داده است، به خوبی تحقق بخشد. انجام این ماموریت در جهانی باید صورت پذیرد که رقبای صنعت ایران تنها کشورهای برخاسته از انقلاب صنعتی یا ببرهای شرق آسیا نیستند، بلکه هم‌اکنون پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان یعنی چین و هندوستان هم به جرگه اقتصادهای رقابتی پیوسته‌اند و ۴۰۰ میلیون نفر روسی و اقوام مختلف اتحاد جماهیر شوروی سابق و اروپای شرقی نیز به آن ملحق شده‌اند. پشت سر این مجموعه وسیع انسانی بیش از ۲۰۰ میلیون نفر اندونزیایی و مالزیایی در نوبت قرار گرفته‌اند تا به جرگه اقتصادهای صنعتی بپیوندند.

### ساختار اقتصاد ایران در دوره ۱۳۷۲-۱۴۰۰

تغییرات ساختاری اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۷۲ تا ۱۴۰۰ و بر پایه سناریوی تلفیقی محتمل ارائه شده توسط انجمن مدیران صنایع، براساس تصویر سال پایانی آن، در چهارچوب به کار بستن استراتژی‌های توسعه صنعتی و به رسم یک الگوی آزمایشی در جدول شماره (۱) بررسی گردیده است. رشد تولید ناخالص داخلی به طور متوسط سالانه ۴/۹ درصد و رشد ارزش افزوده بخش صنعت ۶/۴ درصد در نظر گرفته شده است. سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی از ۱۵/۴ درصد به ۲۳ درصد افزایش خواهد یافت و سهم صادرات صنعتی از ۱ درصد تولید ناخالص داخلی به ۸ درصد خواهد رسید. سرمایه‌گذاری کل باید به طور متوسط سالانه ۶/۴ درصد افزایش یابد تا سهم آن در تولید ناخالص داخلی از ۱۶ درصد به ۲۴/۵ درصد ارتقاء یابد. رشد متوسط سالانه صادرات صنعتی طی این دوره ۱۳ درصد در نظر گرفته شده است بطوریکه مشارکت اقتصاد ایران در بازار جهانی در این تصویر افزایش پیدا خواهد کرد و سهم واردات و صادرات کل کشور از تولید ناخالص داخلی هر دو به ۲۵ درصد خواهد رسید.



جدول شماره (۱) ساختار اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۰ بر پایه سناریوی تلفیقی محتمل

| نرخ رشد متوسط سالانه | مبلغ (میلیارد ریال) |         | سهم درصد |       | اجزاء ساختار اقتصادی |
|----------------------|---------------------|---------|----------|-------|----------------------|
|                      | ۱۴۰۰                | ۱۳۷۲    | ۱۴۰۰     | ۱۳۷۲  |                      |
| ۴/۹                  | ۴۹۵۰۰               | ۱۳۱۰۱/۰ | ۱۰۰/۰    | ۱۰۰/۰ | تولید ناخالص داخلی   |
| ۴/۴                  | ۳۰۰۰۰               | ۸۹۲۸/۰  | ۶۱/۰     | ۶۸/۱  | - مصارف خصوصی        |
| ۵/۲                  | ۷۵۰۰                | ۱۸۲۰/۳  | ۱۵/۰     | ۱۳/۹  | - مصارف دولتی        |
| ۶/۴                  | ۱۲۰۰۰               | ۲۱۳۳/۴  | ۲۴/۵     | ۱۶/۳  | - سرمایه گذاری       |
| ۵/۰                  | ۱۲۳۰۰               | ۳۱۵۴/۹  | ۲۵/۰     | ۲۴/۱  | - صادرات             |
| ۸/۲                  | ۱۲۳۰۰               | ۱۳۶۲/۱  | ۲۵/۰     | ۱۰/۴  | - واردات             |
| ۶/۴                  | ۱۱۴۰۰               | ۲۰۲۲/۴  | ۲۳/۰     | ۱۵/۴  | ارزش افزوده صنعت     |
| ۱۳/۰                 | ۴۰۰۰                | ۱۳۳/۱   | ۸/۰      | ۱/۰   | صادرات صنعت          |

| نرخ رشد سالانه (درصد) | ۱۴۰۰  | ۱۳۷۲  |                         |
|-----------------------|-------|-------|-------------------------|
| ۱/۷                   | ۹۶۰۰۰ | ۶۰۰۰۰ | جمعیت (هزار نفر)        |
| ۳/۱                   | ۳۵۵۰  | ۱۵۰۶  | درآمد سرانه (دلار)      |
| ۳/۱                   | ۵۱۵   | ۲۱۸/۳ | درآمد سرانه (هزار ریال) |

### نمونه‌هایی از قلمرو استراتژی توسعه صنعتی ایران

با توجه به عملکرد استراتژیهای توسعه صنعتی کشور طی چند دهه‌ای که از احداث واحدها و کارگاههای صنعتی جدید میگذرد، بخش صنعت ایران جمعاً تعداد ۱۴۲۶۳ کارگاه صنعتی با بیش از ۱۰ نفر کارکن دارد که تنها تعداد ۲۵۲۴ کارگاه از این مجموعه دارای بیش از ۵۰ نفر کارکن می باشند. در این کارگاهها جمعاً ۸۸۴۶۹۰ نفر به فعالیت اشتغال دارند. با احتساب کارگاههای کوچک دارای کمتر از ۱۰ نفر کارکن، تعداد کل کارگاههای صنعتی کشور به بیش از ۴۰۰ هزار واحد و مجموع تعداد شاغلین در آنها به بیش از ۲/۵ میلیون نفر بالغ می گردد که حدود ۱/۷ میلیون نفر از آنها در کارگاههای صنعتی شهری به کار اشتغال دارند. افزون بر این بیش از ۹۰۰۰ واحد صنعتی در حال احداث در سراسر کشور وجود دارد که بین ۲۰ تا ۹۰ درصد تکمیل شده اند به طور کلی در نتیجه اجرای برنامه‌های صنعتی و نیز در اثر تلاش و فعالیت کارآفرینان و کارکنان صنعتی در طول حدود یک قرن که از احداث کارخانه‌های امروزی در کشور می گذرد هم‌اکنون سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی به ۱۷ درصد رسیده است. درحالیکه در طراحی

استراتژی توسعه صنعتی در سال ۱۴۰۰ این سهم باید به ۲۳ درصد افزایش یابد. از این رو ناگزیر باید بسیاری از سیاست‌ها، رویه‌ها، روش‌ها و رفتارها تغییر پیدا کنند تا فرآیند توسعه صنعتی کشور را با الزامات دیدمان جدید فنی - اقتصادی در سطح جهان سازگار نماید که در این متن تلاش گردید به اختصار بیان شود.

- توجه واقعی به نقش قانون در روابط صنعتی
- ایجاد بستر قانونی مناسب برای خصوصی سازی اقتصاد و نیز تفویض مسئولیت‌ها و اختیارات متمرکز دولتی به سطوح مختلف با رعایت دموکراسی
- بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات مبتنی بر خودکفایی و جایگزینی واردات، به منظور ایجاد زمینه مناسب برای تشکیل سرمایه در صنایع صادراتی وابسته به منابع.
- حمایت از ایجاد و گسترش روابط اقتصاد بین‌المللی و جهانی شدن.
- بازنگری و اصلاح مقررات کار با دهدف ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاری و اشتغال جدید از یک سو و تامین هزینه حمایت واقعی نیروی کار به هنگام بروز بیکاری و بحران از سوی دیگر.
- حمایت از اصلاح نظام مالیاتی کشور و متناسب‌سازی آن با نیازهای دولت و بخش‌های تولیدی اقتصاد کشور.
- بازنگری و تجدید نظر در نظام آموزشی کشور، از نظر محتوا، مدیریت، نیاز بهره‌وری، و نقش آن در توسعه اقتصادی به منظور هماهنگی با تکنولوژی‌های جدید.
- تجدید نظر در برنامه‌های پرورشی در سطوح مختلف نظام آموزشی با هدف آماده‌سازی افراد برای کار کردن در گروه و شرایط تولید صنعتی قابل انعطاف.
- کمک به جهانی شدن صنایع از طریق ارتقاء کیفیت و قابل رقابت نمودن قیمت.
- بازسازی و اصلاح زیربنای ارتباطی و مخابراتی و نیز توجه به ایجاد بهبود در کیفیت محیط زیست.
- زمینه‌سازی و ایجاد انگیزه‌ها و مشوق‌های لازم برای تجدید ساختار بنگاه‌های قدیمی به انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید.
- دادن نقش به بخش خصوصی در ایجاد موسسات و سازمانهای گردآوری و تجهیز منابع مالی و هدایت آنها در فعالیتهای مولد و متمرثمر تولیدی.
- اصلاح ساختار سازمانی و سرمایه‌انسانی ستاد نظام صنعتی کشور در راستای مصلحت‌های صنعتی نمودن کشور از طریق وضع قوانین و مقررات مناسب، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری تحولات صنعتی و تکنولوژیکی.
- گسترش دامنه وظایف ستادی وزارت صنایع و معادن به کلیه زیربخش‌های صنعتی به منظور هماهنگی و تمرکز در سیاست‌گذاریهای صنعتی.
- تعیین اولویت طرح‌های سرمایه‌گذاری در قالب استراتژی توسعه صنعتی.
- حذف، تقلیل و بک کاسه کردن کلیه عوارض قانونی و اداری مربوط به فعالیت‌های صنعتی.
- گزینش طرح‌های سرمایه‌گذاری برای استفاده از تسهیلات و یارانه‌ها در چهارچوب استراتژی توسعه صنعتی.

- توجه و عنایت همه جانبه به اشتغال زنان و بهره‌مندی هرچه بیشتر از نیمه دیگر قدرت موثر و فعال کشور.
- تفسیر و تبدیل استراتژی‌های توسعه صنعتی به صورت راهکارهای عملی روزمره و سیاست‌های اجرایی مشخص.
- سازماندهی عوامل سیاسی و اداری حاکم بر اقتصاد جامعه، در اجرای استراتژی توسعه صنعتی.
- مشارکت انجمن مدیران صنایع و سایر تشکل‌ها و کنفدراسیون صنایع ایران به عنوان یک ارگان مستقل بخش خصوصی در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌سازی‌های مربوط به بخش صنعت.
- شکل‌گیری یک نگرش علمی در یافتن پاسخ‌های مشکلات فراراه صنعت.
- برحذر داشتن از اقداماتی که علاقه طبیعی مردم به پس‌انداز کردن را خدشه‌دار نماید.

### جمع بندی

توسعه صنعتی فراگرد پیچیده‌ای است که تحت تاثیر عوامل مختلف سیاسی، نهادی، ساختاری و مادی شکل می‌گیرد. از این رو، سیاست یا استراتژی توسعه صنعتی نمی‌تواند بدون شناخت ویژگی‌های اقتصاد امروز در مقیاس جهانی و نیز شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی کشور، تدوین و به اجرا درآید. استراتژی توسعه صنعتی کشور بایستی در ارتباط با سیاست‌های کلان و سیاست‌های دیگر بخش‌های اقتصاد، و نیز سیاست‌های پولی، ارزی، تجاری، جمعیتی، اشتغال، مالیاتی، سرمایه‌گذاری و... تدوین گردد. همچنین در طراحی استراتژی توسعه صنعتی مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر اقتصاد و نظام تولید کشور از جمله قانون کار، قانون مالیات‌ها، قانون تامین اجتماعی، قوانین و مقررات پولی و ارزی، قوانین و مقررات صادرات و واردات، بایستی نادیده گرفته شوند.

با این اوصاف، با توجه به مجموع مشاهدات و تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی، اجتماعی از وضع موجود و نیز با در نظر گرفتن تصویر آینده اقتصاد کشور در چارچوب اقتصاد جهانی، و همچنین با درک الزامات دیدمان فنی - اقتصادی فعلی، استراتژی مطلوب توسعه اقتصادی در مجموعه اقتصاد ملی «استراتژی توسعه صادرات» است. تحقیقاً بخش صنعت ماموریت و رسالت اصلی تحقق این استراتژی را بر عهده خواهد داشت و در این راستا با توجه به کلیه الزامات فوق و ضرورت‌های درونی بخش صنعت، استراتژی‌های سه گانه، توسعه صنایع وابسته به منابع - توسعه صنایع کاربر - و توسعه صادرات صنعتی به عنوان استراتژی توسعه صنعتی در نظر گرفته می‌شوند. سیاست‌ها و اولویت‌هایی که در چارچوب هر یک از استراتژی‌ای سه گانه فوق، موجبات تحقق آنها را فراهم می‌سازد، بایستی توسط ستاد نظام صنعتی کشور به صورت اجرایی در آمده و توسط مراجع و مراکز تصمیم‌گیری و اداری مربوط به صنعت اعمال و پی‌گیری شوند.